ادامه از صفحه اول

عمدی یا غیرعمدی؟

ب- تلویزیون عمدی در کوچک‌کردن نامزدها نداشت

اگر فرض کنیم که تلویزیون عمدی در کوچک‌شماری نامزدها نداشته، باید گفت که آنها در نهایت، برنامه‌ای نه‌جذاب بلکه تحقیرآمیز از مناظره نامزدهای انتخاباتی ساخته بودند که سیل پیامک‌های طنز و گزارش‌های روزنامه‌های فردای مناظره که آن را به «مسابقه هفته» با اجرای مرحوم منوچهر نوذری تشبیه کرده بودند، نشان می‌داد مناظره هیجان‌انگیز و جدی مورد انتظار مخاطبان، جای خود را به یک شوی بی‌تحرک با مضمون غیرجذاب اقتصادی داده که پس از چهارساعت، باید با خواندن و فرستادن چند پیامک طنز آن را جبران کرد و خستگی را از ذهن زدود. در این میان، توضیح مجری برنامه درباره اینکه مناظره ده‌ها سناریوی مختلف داشته یا صدها نفر- ساعت کار کارشناسی روی آن شده، آن چه را که عیان است، نمی‌تواند تغییر دهد. حال، باید به سوال ابتدایی رسید: آیا تلویزیون خود را بیش از حد واقع، جدی گرفته است؟ در دوران بین دو جنگ جهانی، نظریه‌ای در دنیای ارتباطات وجود داشت به نام نظریه «تزریقی» یا «گلوله جادویی» که مدعی بود رسانه‌ها هر چه به مخاطبان بگویند، آنها باور خواهند کرد. بعدها این نظریه در بسیاری موارد ابطال شد. مدیران تلویزیون ایران باید بدانند که عامدانه یا غیرعامدانه، باید به شکسته‌شدن اقتدار و یگانگی تلویزیون، به خصوص نزد نخبگان و رهبران افکار، اعتراف کنند و اگر بخواهند همچنان بر این موضع اصرار بورزند، مانند مناظره روز جمعه، با مضحکه مخاطبان روبه‌رو می‌شوند. در سال‌های اخیر، در فضای رسانه‌ای ایران، نشانه‌هایی از «ژورنالیسم شبکه‌ای» دیده می‌شود؛ در این نوع ژورنالیسم، تولید، گردش و مصرف اخبار غیرمتمرکز و غیرخطی است و رسانه‌ها یکدیگر را تکمیل می‌کنند. حال با چنین فضایی، تلویزیون چطور می‌تواند با تک‌گوینده‌بودن و پخش برنامه‌های یک‌طرفه، مخاطبان آگاه را تحت تاثیر قرار دهد؟ مخاطبان ایرانی بسیار تغییر کرده‌اند؛ تنها ۳۰درصد جمعیت ایران روستایی هستند و همان‌ها هم در خانه‌ها به دیش‌های ماهواره مجهزند؛ شمار تحصیلکردگان دانشگاهی به بیش از چهارمیلیون نفر رسیده است و برنامه‌های استاندارد ماهواره‌ای، سواد رسانه‌ای و سلیقه مخاطبان را بالا برده است. با این اوضاع، صداوسیما ناچار است یا خود را با شرایط روز ارتباطات جهانی وفق دهد یا تحقیر به وسیله مخاطبان برنامه‌هایی مثل مناظره جمعه را تحمل کند.

توضیح

با توجه به حجم بالای آگهی در این صفحه، ستون «آینه» تا اطلاع ثانوی در صفحه ۱۴ منتشر می‌شود.

عرفی‌شدن نظریه‌های اخلاقی

سعید حجاریان

بخش اول

عموما فلاسفه سیاسی به فلسفه اخلاق نیز پرداخته‌اند و برعکس. یعنی از قدیم‌الایام سیاست و اخلاق، به‌طور موازی پیش رفته‌اند. مثلا ارسطو قبل از آنکه درباره فلسفه سیاسی ایده‌هایش را مطرح سازد، کتاب اخلاق نیکوماخوس را نوشت و آن را مقدمه‌ای بر سیاست مُدُن قرار داد. گویی می‌خواست بگوید، ابتدا باید فضایل اخلاقی را تثبیت کرد و سپس بر آن، بنای سیاست را برافراشت: (ثبت الارض ثم انقش).

این منطق را در جمهوری افلاطون نیز می‌بینیم، او در آن کتاب، ابتدا عدل و فضیلت را به بحث می‌گذارد، سپس به سیاست و مدینه فاضله می‌پردازد. این روال در بین حکمای اسلامی نیز تداوم می‌یابد. چنانچه آنان نیز مانند حکمای یونان، سعی دارند، سیاست را از درون مکارم و فضایل اخلاقی استخراج کنند، منتها ارزش‌های دینی را جایگزین ارزش‌های پاگانیستی یونانیان می‌کنند. از خواجه نصیر گرفته تا فارابی، سعدی، ابن مسکویه و... همگی بر این روال و منهج می‌روند.

می‌توان این تصور از نسبت میان اخلاق و سیاست را که در آن، سیاست از اخلاق منتج می‌شود، به صورت زیر نمایش داد:

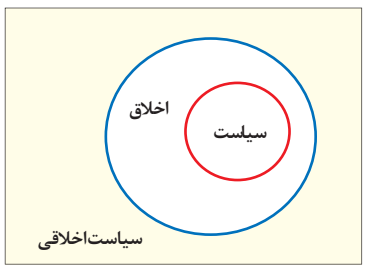

تا اینجا بحثی نظری در جریان است ولی در عالم واقع، حوادث، طور دیگری رقم می‌خورند. این تضاد بین عمل و نظر تا به امروز نیز در سیاست مبتنی بر فضیلت وجود دارد و بالاخره این ماکیاول بود که پرده را کنار زد و آنچه را که در عالم واقع رخ می‌داد، بر آفتاب افکند. به این معنا که اساسا، هم معنای فضیلت را تغییر داد و هم معنای سیاست را. فضیلت یا همان Virtue را از نظر وی می‌توان معادل هنر[1] یا کار نیک مردانه، تلقی کرد. از این‌رو آنچه را که شهریار باید برای کسب و حفظ قدرت انجام دهد، مجاز دانست. او باید گاهی مانند شیر شجاع باشد و گاهی مانند روباه، محیل و گُربَز، زیرا شیر از دام ایمن نیست و روباه از گرگ و از این‌رو شهریار باید روباه باشد تا دام را بشناسد و شیر باشد تا گرگ را بترساند. شهریار اگر لازم باشد، باید به دینداری تظاهر کند، حتی اگر ذره‌ای اعتقاد به دین نداشته باشد، اینگونه است که شهریار می‌تواند بخت یا Fortuna را که صفتی زنانه است، به خود جذب کند و در غیراین صورت، این زن عروس مردی دیگر می‌شود.

برای ماکیاول به قول آیزیا برلین، حتی می‌توان نوعی خاص از اخلاق نیز تعریف کرد، که لازمه ایجاد جمهوری در جامعه پاره‌پاره ایتالیای سده پانزدهم می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد که ماکیاول فراق دایمی بین اخلاق و سیاست انداخت و اخلاق را به حوزه خصوصی راند، به این معنا این اخلاق خاص ماکیاول، به اصطلاح سکولار است، که نمایش آن در زیر می‌آید:

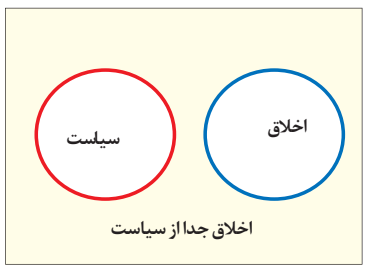

پس از ماکیاول، هابز است که سیاست اخلاقی را تبیین می‌کند. هابز ابتدا پایه سیاست را بر مبنای قرارداد اجتماعی قرار می‌دهد و از درون آن دولتِ جامعه القوا (توتالیتر) را استخراج می‌کند و آنگاه وظیفه بنای ارزش‌ها را بر دوش دولت می‌نهد. این لویاتان است که می‌گوید چه چیز اخلاقی است و چه چیز غیراخلاقی، ارزش کدام است و ضدارزش کدام. به عبارت دیگر هابز، آن تصویر زیر بنایی را که حکمای یونانی برای اخلاق در نظر می‌گرفتند، به سیاست می‌دهد و اخلاق را از سیاست منتج می‌کند. هابز به این معنا نوعی اشعری‌گری مدرن را هم بنا می‌کند، عمل دولت لایعَلَل است و هم اوست که تنها منبع ارزش‌هاست: هرچه آن خسرو کند، شیرین بود. می‌توان آنچه را که هابز انجام داد، در قالب زیر به تصویر کشید:

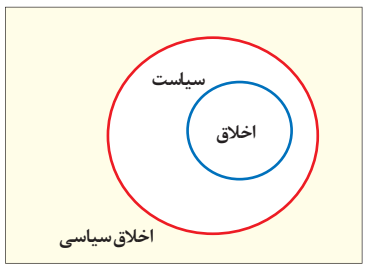

اما به جز سه حالت فوق، می‌توان حالت چهارمی را نیز متصور شد که در آن سیاست و اخلاق دو حوزه متفاوت هستند که در بعضی از نقاط اشتراکاتی نیز دارند، مانند نسبت میان طب و اخلاق.

ادامه در صفحه ۱۴

دموکراسی یعنی تمرین دموکراسی

محسن رنانی

بخش دوم

چکیده: در نوشتار پیشین خیلی کوتاه گفتیم «اصلاح‌طلبی یعنی تمرین اصلاح‌طلبی» و تفصیل دادیم که نام‌ها گویا نیست، پیام‌ها گویاست و اسم‌ها مهم نیست، رسم‌ها مهم است. ممکن است نام من «اصلاح‌طلب» باشد اما رسم من انقلابی. و گفتیم که عصر انقلاب سپری شده است. انقلاب متعلق به عصر استبدادهای چندصدساله یا دهه‌های جنگ سرد، دوران جهان صنعتی غیریکپارچه و دنیای پیش از عصر اطلاعات است. امروز که عصر انقلاب‌ها ذره‌ای تکینه‌شده (یعنی موج‌وار و غیرقابل پیش‌بینی) در فناوری است، دیگر حرکت انقلابی حرکت ویرانگرانه و گاهی جنایتکارانه تلقی می‌شود. چکیده پیام آشکار و پنهان نوشتار پیشین چنین بود: امروز نه‌تنها تحریم انتخابات عملی انقلابی و مردود است بلکه قهر از انتخابات هم عملی غیراصلاح‌طلبانه است. در این نوشته می‌کوشم تا بگویم «دموکراسی یعنی تمرین دموکراسی» و آمدن و ردصلاحیت آقای هاشمی فرصتی بی‌نظیر برای دموکراسی‌خواهان ایجاد کرده است که «عمق دموکراسی‌خواهی» خود را به محک آزمون بسپارند و جامعه را یاری کنند تا از موقعیت دوگانه و متضادی که اکنون به آن گرفتار آمده است، به سلامت و در جهت تقویت و تمرین دموکراسی عبور کند.

طرح: هادی حیدری، شرق

مقدمه: اجازه دهید به عنوان مقدمه، بخشی از مقدمه‌ای را که هفت سال پیش به عنوان مترجم بر کتاب «درک دموکراسی» نگاشته‌ام، بازخوانی کنیم: «دموکراسی نه الهه رهایی است و نه آخرین راه‌حل. دموکراسی یکی از ابزارها و روش‌های تجربه‌شده بشری برای مدیریت جامعه است و البته به تجربه دریافته‌ایم که - در بلندمدت و برای جوامعی که تجربه دیرپایی از دموکراسی را دارند - کم‌هزینه‌تر از سایر ابزارها و روش‌هاست. اما همان‌گونه که اگر کودکان دبستانی، که ارزش و هدف نهایی تحصیل را نمی‌دانند، قدرت و اختیار انتخاب درس‌ها و معلمان را داشته باشند، آنان تنها به معلمان خندان و درس‌های بازی‌گون رای خواهند داد، حق رای و انجام انتخابات در میان مردمی که ارزش و غایت دموکراسی را نمی‌دانند، می‌توانند به برآمدن فریبکاران و انتخاب سیاست‌های بی‌محتوا بینجامد. شاید این سخن احمد بابامیسکه پر بیراه نباشد که درباره مردم جهان سوم گفته است بیش از دموکراسی، به خوگرفتن به گفت‌وگوی فراگیر و ملی درباره مسایلشان نیاز دارند، وگرنه دموکراسی نیز ابزاری برای فریبشان خواهد شد. «با این همه نمی‌توان نشست و دست روی دست نهاد تا مردمی و جامعه‌ای رشد کند و قامتش برازنده دموکراسی شود. همان‌گونه که نمی‌توان صبر کرد تا بازیگران فوتبال، نخست قواعد و اخلاق بازی را بیاموزند و سپس برای آنها میدان بازی مهیا کنیم. تکنیک‌های بازی و اخلاق بازی را نیز در بازی باید آموخت. و همان گونه که در گسترش اخلاق بازی در میان بازیکنان، نقش مربیان، داوران و تماشاگران بسیار سازنده است، در پدیداری اخلاق و رفتارهای دموکراتیک در جامعه نیز نقش گروه‌های مرجع اجتماعی (مربیان)، دولت (داور) و خارجیان (تماشاگران) غیرقابل چشم‌پوشی است. پس نه باید دموکراسی را به عنوان یک هدف مقدس، تنها ستایش کرد و چشم برهمه کاستی‌ها و ناراستی‌های آن بست و نه می‌توان حکم به بی‌ثمری آن داد و راه تحقق آن را مسدود ساخت... . «در واقع، درست‌تر آن است که بگوییم هیچ دموکراسی کاملی وجود ندارد. و اصولا دموکراسی کامل ـ منطقا- ناممکن است. آنچه ما به نام دموکراسی می‌شناسیم و حتی در غرب دهه‌هاست بدان عمل می‌شود، نه خود دموکراسی که «تمرین دموکراسی» است.

ادامه در صفحه ۴

خبر

سیدحسن خمینی:

چه بسیار کسانی که تلاش شد ذلیل شوند و خدا آنها را عزیز کرد

● **ایسنا:** نوه امام‌خمینی(ره) گفت: ما در عمر خودمان چه بسیار دیدیم افرادی را که همه تلاش کردند آنها را ذلیل کنند و خداوند آنها را در دل مردم عزیز کرد و چه بسیار کسانی که همه تلاش کردند آنها را عزیز کنند و خداوند محبت آنها را از دل‌ها برد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسن خمینی که به‌مناسبت بیست‌وچهارمین سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام‌خمینی(ره) در جمع وزیر و کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی سخن می‌گفت با قرائت این شعر که «مشق نام لیلی می‌کنم، خاطر خود را تسلی می‌کنم»، افزود: دوره حیات ظاهری امام بزرگوار ما به‌سر آمده است؛ گرچه دوره حیات اندیشه و مکتب او انشاءالله سال‌ها و قرن‌ها باقی خواهد ماند. سیدحسن خمینی اضافه کرد: ۲۴سال از رحلت امام گذشته است، انشاءالله ۲۴۰سال دیگر هم چنین مراسمی باشد و نام و یاد او باشد؛ و باز هم «مشق نام لیلی» در بین ما باشد، تازه نه از این باب که امام به اینها نیاز دارد. امام علم و نماد تقارن سه آرزوی تاریخی ماست؛ دینداری، استقلال و آزادی.

هاشمی‌رفسنجانی:

اجازه ندهیم ابعاد و آثار وجودی امام (ره) به فراموشی سپرده شود

● **ایسنا:** رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: انقلاب و نظام اسلامی ایران با نام، آثار و برکات وجودی امام‌خمینی(ره) عجین شده است و هرگونه تلاش و اقدام آگاهانه یا ناآگاهانه برای نادیده‌انگاشتن یاد و نام امام (ره) و دستاوردهای ایشان، ضرر بزرگی برای انقلاب اسلامی است. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام که با حضور روسای قوای مقننه و قضاییه و اکثریت اعضا تشکیل شد با توجه به اینکه کشور در آستانه دو واقعه بزرگ سالگرد رحلت حضرت امام‌خمینی(ره) و قیام مردمی پانزدهم‌خرداد قرار دارد، با توصیف این رویدادهای بزرگ به عنوان وقایعی تاثیرگذار و پراهمیت در تاریخ انقلاب و نظام اسلامی ایران گفت: امام‌خمینی(ره) به عنوان رهبر و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران، شخصیتی بودند که به اعتراف همه محافل سیاسی جهان، اعم از دوست و دشمن، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بودند که نباید به‌ویژه مسوولان و رسانه‌های همگانی اجازه دهند به دلیل مرور زمان و گردوغبارهای تحولات سیاسی، ابعاد و آثار وجودی و دستاوردهای این شخصیت بزرگ در ایران و جهان اسلام کمرنگ یا فراموش شود.

گروه صنعتی بوذرجمهر

صنایع و تجهیزات قالب های بتن و داربست

ZIGMA
سیستم جدید قالب بندی

- ساخت پنل ها با دستگاه های تمام اتوماتیک رباتیک
- قابل استفاده در انواع دیوارهای یکطرفه، دوطرفه، آب بند، بالا رونده و نیز ستون ها و فوندانسیون ها
- با قابلیت بیش از ۲۰۰ بار استفاده
- ابعاد بزرگ پانل ها

150 x 240	270 x 240	330 x 240

- امکان قالب بندی هر ۱۶ مترمربع دیوار تنها با سه قفل دورانی سریع بدون نیاز به هیچ اتصالات دیگر

برخی پروژه های انجام شده با سیستم قالب بندی ZIGMA

- اجرای دیوار قائم به ارتفاع مفید ۶ متر برای اولین بار در ایران در پروژه شهر پدیده شاندیز- مشهد
- اجرای دیوارهای یکطرفه و دوطرفه به ارتفاع ۴/۵ متر در پروژه مجتمع تجاری اداری یاس هنگام- تهران
- اجرای دیوارهای یک طرفه و دوطرفه به ارتفاع ۴/۲۰ متر در پروژه مجتمع تجاری صدر- تهران

دفتر مرکزی: تهران ۱۹۶۶۷، خیابان ولیعصر، مقابل درب اصلی پارک ملت، ساختمان داستو، پلاک ۲۶۱۷، شماره ۷
خط ویژه: ۲۳۴۶ فاکس: ۲۲۰۵۹۳۵۸ تلفن: ۲۲۰۵۶۰۴۶-۲۲۰۵۸۰۰۲